

گفت و گوی صبا با کارگردان فیلم «هیچ کس منتظرت نیست»

طر د شدگان همیشگی در جامعه!

کمپ ترک اعتیاد بانوان، باز خورد این نمایش در میان این مخاطبان طوری بود، که خودمان هم به شدت تحت تاثیر قرار گرفتیم، سکانس های نهایی این فیلم، تصویری دارد که باعث شد، بانوان این مرکز به صورت دسته جمعی و بلند بلند گریه کنند. با دیدن این صحنه من در ابتدا ناراحت شدم از اینکه نکند این فیلم به زخم های کهنه این دوستان نمک پاشیده باشد اما در ادامه و با دیدن انرژي که در محیط اتفاق افتاد متوجه شدم، فیلم هیچ کس منتظرت نیست، تلنگری است برای معتادان که بخواهند شرایط را برای خودشان تغییر دهند.

نمایش در میان مسئولین چگونه است؟ آیا به آنها هم تلنگری زده است!

بله خوشبختانه، چند اتفاق مثبت هم تا بحال رقم خورده است، بطور مثال خانم سپیده علیزاده که همکاری دلسوزانه ای با ما در تهیه این فیلم داشتند، موفق به تمدید مجوز مرکز ترک اعتیاد خود نشده بود، که نمایش فیلم در وزارت دفاع مسبب شد، مشکل مجوز مرکزشان رفع شود.

ارتباط گیری مخاطب عام با سینمای مستند چگونه است؟

شاید دور از ذهن بیاید، اما خیلی خوب، اکران فیلم هیچ کس منتظرت نیست در مشهد سالن ۵۰۰ نفره را با بلیط فروشی پر می کرد، قرار ما بر ۱۰ روز اکران بود که با توجه به استقبال تمدید شد. در نهایت هم سینمادار پس از اکران با بنده تماس گرفته و تشکر کرد. نمونه واضح تر اینکه اشخاص کارتن خواب هم به تماشای این فیلم نشستند، در ابتدای فیلم، سکانسی ترکیبی از موسیقی و رقص دارم، یادم هست در هنگام نمایش این صحنه دوستان کارتن خواب با این صحنه به وجد آمده و همراه با ریتم فیلم دست می زدند، در ادامه در اواخر فیلم هم، یک سکانس ترکیبی موسیقی و رقص مشابه سکانس آغازین دارم، اما این دوستان به قدری درگیر و تحت تاثیر مستند شده بودند که دیگر دست نزده و در سکوت به تماشا نشستند.

ساختار مستند داستانی تک قصه است، و با همزمان چند روایت را پیش می برد؟

این مستند، روایت موازی از داستان زندگی چند نفر است. که ضمن روایت کردن قصه های واقعی این افراد، راه حل ها و چالش های یک بیمار تار سیدن اش به ترک و زندگی دوباره را به تصویر می کشد. این فیلم نشان می دهد ترک اعتیاد برای کسانی که در این سراسر شبی به ته خط رسیده اند، هر قدر هم سخت اما با انگیزه و صبر زیاد شدنی است، و بازگشت شان به کانون خانواده و جامعه امکان پذیر است.

ساخت این مستند، مستلزم همکاری از گان های مر تبط و بیماران معتاد بود، این همکاری از هر دو سو چگونه بود؟

خدا را شکر خیلی خوب بود، من برای ساخت این اثر موفق شدم وارد مرکز ترک اعتیاد بانوان شوم که ورود به آن ممنوعیت ها و محدودیت های خاص به خود را داشت و از سمتی به پاتق های اصلی مواد رفته و بدون خط قرمز کار کردم. فیلم ما نیازی به نهادی مانند نیروی انتظامی نداشت، گشت های ما در مناطق غیر قابل ورود و آسیب دیده با همکاری و کمک خانم علیزاده اتفاق افتاد و از اعتماد و اطلاعات او برای به تصویر کشیدن وقایع عینی این مناطق استفاده کردیم با این حال در طول کار، در چند گشت زنی به ما حمله شد که تیم همراه توانستند فضا را کنترل کنند. چند بار نزدیک بود دوربین ما را خرد کنند با وجودی که من تجربه مستندسازی در میان طالبان را هم دارم اما گاهی در حین تصویربرداری این مستند با وقایع و فضاهای مواجه شدم که قابل وصف نیست.

مرارتی غیر قابل وصف ترک کرده و وارد یک زندگی جدید و سالم می شوند. ولی جامعه متاسفانه با ذهنیت بسته خود، کماکان آن ها رانمی پذیرد!

پس مخاطب شما، در نام گذاری این فیلم معتادانی هستند که با وجود تغییر روند زندگی خود متاسفانه در جامعه کسی آن ها رانمی پذیرد و همچنان با عینک بدبینی، به آنها نگاه می کند!

بله این معضل بسیار بزرگی است، و شاه کلید بحث ترک اعتیاد است. شهرهای بزرگ در جهان و ایران، سخت درگیر این بیماران در سطح شهر هستند، اما از درک راه حل و شاه کلید رهایی این افراد از دام اعتیاد اطلاعی ندارند. این افراد علاوه بر آسیب هایی که به خود می زنند، برای جامعه نیز خطر ساز می شوند. پس لزوم شناخت راه حل برای خروج این افراد از دام اعتیاد بسیار ضروری است. از نظر من شاه کلید رهایی آنها ابتدا ایجاد انگیزه برای بازگشت شان به زندگی است و سپس پذیرش آن ها که توسط خانواده و جامعه باید صورت پذیرد. البته اقدام های ارزشمندی در این زمینه انجام شده است، مثلاً یک سری کارخانه ها در ایران هستند که فقط کسانی را استخدام می کنند که دارای سوء سابقه هستند. در مقابل پروسه دستگیری معتادان و به زندان انداختن شان یک دور عاقل و باطالی است که جز هزینه و تشدید بزهکاری عایدی دیگری ندارد.

مخاطب هدف تان در این فیلم چه کسانی هستند؟

خیلی ها، اما مسئولین تصمیم گیرنده در اولویت هستند، در سطوح بعدی همکاران مددجو که در این مسیر فعالیت می کنند. در تجربه اکران مشهد که این فیلم برای مددجویان «مرکز ترک زنان» نمایش داده شد و بازتاب خوبی داشت. اما باز هم راس هرم مخاطب این فیلم همان مسئولین تصمیم گیرنده و پژوهشکده های هستند که در حوزه اعتیاد تحقیق می کنند. چرا که خوشبختانه من در این فیلم با داشتن یک دوربین صادق توانسته ام به سوژه های مورد بحث بسیار نزدیک شوم.

در کدام مناطق برای ضبط تصاویر حضور پیدا کردید؟

مناطق در مرکز و اطراف تهران، مانند شوش، خلایق، اتوبان های کناری منطقه ۱۸، حتی در برخی موارد کانال های فاضلاب شهری، در کل هرجایی که برای این افراد تبدیل به پاتق شده بود.

تماشای این فیلم، برای کسانی که خودشان درگیر اعتیاد هستند چگونه است؟ آیا در ایجاد انگیزه و تحول شان کار ساز است؟

تجربهای داشتیم از نمایش این فیلم، در

مستند سینمایی «هیچ کس منتظرت نیست» به کارگردانی و تهیه کنندگی محسن اسلامزاده، محصول مرکز مستند سوره است. فیلمبرداری این اثر را علی محمد خانیکی و سلمه اربابون تدوینگری آن را به عهده داشته است. این مستند درباره مرکز نگهداری زنان کارتن خواب و معتاد در میدان شوش تهران است، شخصیت های محوری آن سپیده علیزاده و یکی از مددجویان سابق اش به نام مونا است که در کنار موضوع اصلی و پرداختن به شخصیت این دو، به قصه هایی از زنان کارتن خواب و بهبود یافتگان اعتیاد و معرفی الگوهای درست در توانبخشی این افراد می پردازد. «هیچ کس منتظرت نیست» پیش از این در چهلمین جشنواره فیلم فجر و پانزدهمین جشنواره بین المللی «سینما حقیقت» حضور یافته بود که موفق به کسب جایزه ویژه بهترین فیلم مستند از نگاه داوران ناجی هنر در بخش ملی جشنواره «سینما حقیقت» شد.

محسن اسلامزاده: دوربین من با مخاطب صادق است.

محسن اسلامزاده فیلم ساز متولد ۱۳۵۹، اهل مشهد است، که در زمینه مستندسازی به ویژه در مناطق بحرانی و جنگ زده فعالیت دارد، او پس از کودتای لیبی و سرنگونی حکومت معمر قذافی به لیبی رفت و «سراز زندان ابوسلیم» را ساخت. مستند «تنها میان طالبان» او نیز جایزه بهترین فیلم بلند مستند از چهارمین جشنواره فیلم و ویدئو آن در سال ۱۳۹۶ گرفت. در این کار، او این فرصت استثنایی را یافت که با رهبران طالبان دیدار گفت و گو کند. او در سال ۱۳۹۴، هنگام ساخت اثری درباره گروه های تروریستی در شهر «تکريت» عراق، توسط داعش مجروح شد.

در ابتدا بگویند که در فیلم هیچ کس منتظرت نیست، چه کسی است که هیچ کس منتظرش نیست؟

ما بعضی انسان ها را زبانه های اجتماعی می دانیم که گویی هیچگاه قابل نجات دادن نیستند، چنان که مرده اند و دیگر منتظرشان نمی مانیم. یکی از چالش های بزرگ این فیلم کسانی هستند که در بحث اعتیاد به ته خط رسیده اند، و غریب به ۲۰ الی ۳۰ سال درگیر هستند و زندگی را با کارتن خوابی در پاتق های مواد مخدر می گذرانند مردم خیال می کنند این گروه اجتماعی، قابلیت بازگشت به اجتماع را ندارند! ولی بین اینها کسانی هستند که با یک انگیزه و کورسویی از نور و روشنایی، زندگی گذشته خود را با



تکسیم کننده: جنبی فرآورده
کارگردان: سوزن مهرزاده

چهارشنبه و پنجشنبه ها
۲۲:۱۵ | شبکه یک سیما
تکرار دو قسمت جمعه ها بعد از خبر ۲۱